

دیدگاه روبین و تفسیر «دخان مبین»

mr.amin451@yahoo.com

محمدرضا امین / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

چکیده

دیدگاه روبین به مدلول «دخان مبین» در آیه ۱۰ سورة دخان و نظر وی در مورد برداشت برخی از مفسران از این عبارت، تصریح دارد که مفسران، به‌رغم اخروی بودن مدلول آن، به‌منظور تمجید از پیامبر اسلام^ص و با اهداف جدلی و بر اساس ایده‌های خود درباره‌ی ایشان، مدلولی دنیوی برای آن بیان کرده‌اند تا برخلاف تصویر قرآنی پیامبر^ص، تصویری پساقرآنی از ایشان ترسیم کنند و آن حضرت را در مکه نیز دارای قدرت‌های خاص برای مقابله با مشرکان نشان دهند. این نوشتار در پی آن است که به روش تحلیلی انتقادی تطابق این دیدگاه با قرائن و مستندات تفسیری را بررسی نماید. بررسی مستندات روبین، و سایر مستنداتی که او مطرح کرده است و نیز توجه به ظرفیت زبان قرآن و چندسطحی بودن مدالیل و امکان تعدد مصادیق عبارات آن، نشان می‌دهد که اولاً زمینه‌ی دلالت این عبارت بر مدلول دنیوی نیز وجود دارد و ثانیاً قرائن و شواهدی از سنخ قرائن مورد استناد روبین داریم که بر مدلول دنیوی نیز صحه می‌گذارند. پس نه اتهام روبین به مفسران مسلمان قابل دفاع است و نه مدلول دنیوی پیشنهادی برخی از آنها بی‌پایه است.

کلیدواژه‌ها: یوری روبین، تفسیر قرآن، حضرت محمد^ص، دخان مبین، زبان قرآن.

در مواردی، بین ظاهر عبارات قرآن کریم و حاصل تلاش تفسیری عالمان مسلمان تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها، که گاه قابل توجیه هستند و گاه شاید نتوان دفاع قابل قبولی برای آنها داشت، مجال نگاهی انتقادی به عرصه‌هایی مانند مبانی، قواعد، روش و دستاورد تفسیر را فراهم می‌کند و فرصت آشنایی با نوع نگاه و مستندات دیگران، خصوصاً در قالب تدوین آثار انتقادی در مورد مستشرقان را فراهم می‌آورند.

یک نمونه از چنین عباراتی آیات ۱۰ و ۱۱ سوره دخان است: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ که مقایسه بین ظاهر و سیاق آن با برخی از مطالب تفسیری، زمینه‌ساز نگاه متفاوت یوری روبین، مستشرق پرکار در زمینه اسلام، شده است. وی دیدگاه خود را در مقاله‌ای با این عنوان آورده است: «روزی که آسمان دودی آشکار می‌آورد» (دخان: ۱۰-۱۱)؛ پژوهشی تطبیقی در مورد تصویر قرآنی و پساقرائی پیامبر اسلام.^۱ این دیدگاه با تمرکز بر آیه ۱۰ سوره دخان، بر اساس مؤلفه‌های درونی آیه، سیاق آن در سوره دخان و نیز روایات مرتبط، محتوای آیه را با دستاوردهای تفسیری در بستری زمانی به طول تقریبی دوازده قرن مقایسه نموده و آنها را به صورت تحلیلی - تطبیقی نقد کرده است.^۲ حال، مسئله نوشتار پیش رو این است که فارغ از وجود یا عدم مدلول غیردنیوی برای عبارت «دخان مبین»، آیا شواهد و قرائنی وجود دارد که مدلولی دنیوی را به‌تنبه‌ایی یا در کنار مدلول اخروی تأیید کند؟ پاسخ به این سؤال اصلی، دو سؤال فرعی را نیز مطرح می‌کند: آیا دلایل دیدگاه روبین در رابطه با این عبارت، مبنی بر انحصار مدلول آن در مدلول غیردنیوی متقن است؟ و در نتیجه، آیا اتهام روبین به مفسران مسلمان مبنی بر قصد القای توانمندی پیامبر اکرم ﷺ در مکه موجه است؟

روبین ابتدا عناصر درونی آیه ۱۰ سوره دخان را لحاظ کرده، و «یوم» را، به کمک نظایر آن در آیات دیگر مرتبط با عذاب بررسی می‌کند (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۲۵۲). وی پیش از جمع‌بندی کاربرد «یوم» در آن آیات، به ارتباط برخی از احوال قیامت با آسمان در قرآن اشاره می‌کند (همان، ص ۲۵۲-۲۵۳). سپس در بررسی مدلول «دخان»، برای تثبیت مدلول اخروی «دود»، از عهدین نیز کمک می‌گیرد (همان، ص ۲۵۳). وی سپس به سیاق آیه در سوره دخان، و ارتباط آیه ۱۰ با سایر آیات سوره می‌پردازد. روبین همانند رویه برخی از مفسران مسلمان، آیات سوره دخان را عمدتاً بر اساس تاریخی یا اخروی بودن مضمون، دسته‌بندی می‌کند: الف) آیات ۱-۹، که طی آنها خداوند در قالب یک مقدمه‌سازی، نزول قرآن و انداز مردم و واکنش منفی آنها را وصف می‌کند؛ ب) آیات ۱۰-۱۱، با مضمونی اخروی در مورد عقاب کافران؛ ج) آیات ۱۲-۱۴، ۱۵ و ۱۶، که باز هم اخروی، اما با مضامینی مجزا هستند و روبین در بررسی آنها، از سوره‌های دیگر استفاده می‌کند؛ د) آیات ۱۷-۳۳، با مضمونی تاریخی و بیانگر سرگذشت فرعون و قوم تبع که برای کفار معاصر پیامبر اسلام ﷺ عبرت‌آموزند؛ ه) آیات ۳۸-۵۷، مشتمل بر پاداش و عقاب اخروی؛ و) آیات پایانی سوره، بیانگر نتیجه عملی برای پیامبر ﷺ (همان، ص ۲۵۶). مرحله بعد، برشمردن آرای مفسران در مورد «دخان» در آیه ۱۰ است، که طی آن (در تقریباً شانزده صفحه)، آرای ۲۴ تن در یک بازه زمانی

تقریباً ۱۲۰۰ ساله، یعنی بین سال‌های ۶۸-۱۲۷۰ق، می‌آید (همان، ص ۲۵۷-۲۷۳): ابن عباس (و مجاهد)، مقاتل بن سلیمان، فراء (و ابوعبیده)، عبدالرزاق (و ابن مسعود)، ابن قتیبه (و هُوَاری)، طبری، طیفی از مفسران از زجاج تا واحدی (مشمتم بر ابن ابی حاتم، سمرقندی، ثعلبی، ماوردی)، زمخشری (و ابن عطیه و ابن جوزی)، رازی، قرطبی، بیضاوی (و ابن کثیر)، و آلوسی. سپس ذیل عنوان «مفسران شیعی»، (در پنج سطر) اشاره‌ای به انتظار سه مفسر شیعی (قمی، طوسی، طبرسی) می‌آید (همان، ص ۲۷۳). گام بعدی، نگاهی تقریباً یک‌صفحه‌ای به مجموعه‌های دلائل النبوه است: عمدتاً *شرف المصطفی* نوشته خرگوشی، و اشاره‌ای به *مناقب آل ابی طالب* نوشته ابن شهر آشوب (همان، ص ۲۷۴). آخرین گام، بیان تفسیر «دخان مبین» در «تفاسیر امروزمین» (در یک صفحه) البته تنها در دو اثر است: درس گفتارهای محمد اسماعیل المقدم، شیخ سلفی مصری، و کتاب محمد هشام کَبانی با عنوان *The Approach of Armageddon? An Islamic Perspective* (همان، ص ۲۷۵).

دیدگاه مفسران در مورد «دخان مبین»

گرچه مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان به‌طور طبیعی مضامین سوره دخان و آیه ۱۰ از این سوره را نیز تفسیر کرده و در تفاسیر و در سایر آثار خود به آن پرداخته‌اند (مانند: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۸۱۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۷۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۲). اما بیان مراد از «دخان مبین»، اگر دغدغه مفسران بوده، برخی به قرینه معتبری اعتماد نکرده‌اند (مانند: نستری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۴۱)؛ برخی عملاً کار را به صورت بیان احتمالات (مانند طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۷) یا با انتخاب احتمال قوی‌تر (مثلاً طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۳۷-۱۳۸) به پایان رسانده‌اند؛ ولی در این میان، در بررسی مقدماتی پیش از اقدام به نقد دیدگاه روبین، نویسنده به‌دست نیامورد که نگاه خاص روبین به آیات ۱۰ و ۱۱ سوره دخان و تفسیر آنها، دغدغه عالمان مسلمان نیز بوده باشد.

مستشرقان نیز به‌رغم توجه به موضوع «دخان» در قرآن کریم - بر اساس یافته‌ها - توجهشان یا به آیه شریفه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱) و مسئله چگونگی خلقت و شکل‌گیری آسمان معطوف بوده است (باس‌وُرت و دیگران، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۹۸۳) یا صرفاً بررسی و موارد کاربرد «دخان» در قرآن کریم و معانی «دخان» در آن را مدنظر داشته‌اند. از این‌رو دغدغه روبین در بررسی معانی محتمل «دخان» در آیه ۱۰ سوره دخان، در آثار سایر مستشرقان مشاهده نشد؛ مثلاً *دایرة‌المعارف قرآن لیدن*، گرچه در مدخل Smoke به دو معنای «دخان» در سوره دخان توجه دارد، اما موضوع تصویر قرآنی و پساقرآنی پیامبر اکرم ﷺ - که دغدغه روبین است - را مطرح نکرده و به آن ورود نمی‌کند (مک‌آلیف، ۲۰۰۶م، ج ۵، ص ۶۴). نمونه دیگر، *دایرة‌المعارف اسلام لیدن* است که در مدخل Sā'a، در بخش سوم مقاله، که به کاربرد معادشناختی «ساعة» می‌پردازد، صرفاً «دخان» در سوره دخان را در زمره نشانه‌های قیامت لحاظ می‌کند (باس‌وُرت و دیگران، ۱۹۹۵م، ج ۸، ص ۶۵۶).

به‌رغم بررسی و نقد برخی از آثار روبین، نقدی بر این مقاله وی یافت نشد. در نتیجه، خصوصاً با لحاظ ارتباط آرا و شیوه کار روبین در این مقاله با زبان قرآن، روش تفسیر قرآن، و ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ، بررسی و نقد آن اهمیتی دوچندان دارد. از این‌رو نگارنده ابتدا مقاله روبین را شخصاً به‌طور کامل به زبان فارسی ترجمه و نگارش کرد تا نقد، بر مبنای آگاهی مستقیم از دیدگاه‌های روبین، صورت پذیرد.

دیدگاه روبین دربارهٔ مراد از «دخان مبین»

به نظر روبین «دخان مبین» ناظر به یکی از «اشراط الساعة» است و مفسران مسلمان در اینجا نیز مانند برخی دیگر از حوادث کیهانی، علاوه بر ذکر اشراط الساعة، گزینهٔ دنیوی را - به دلایل جدلی و با قصد القای تصویری جدید از پیامبر اکرم ﷺ - نیز مطرح کرده‌اند تا او را در مکه هم قدرتمند نشان دهند (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۲۵۱). این مسئله - در کنار دو موقعیت متفاوتی که معمولاً از حیث بسط ید پیامبر اسلام ﷺ و نوع مقابلهٔ ایشان با دشمنان و نیز از حیث گونه‌شناسی آیات نازل بر آن حضرت، بر اساس دو محیط مکه و مدینه تمایز می‌یابند - دست‌مایه‌ای شده است تا دیدگاه مذکور، دو تصویر را از پیامبر اکرم ﷺ ترسیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کند: یکی تصویری قرآنی و مرتبط با آیات صدر سورهٔ دخان و آیات مشابه در سورهٔ مکی متضمن اندازهای اخروی؛ و دیگری تصویری پساقرائی و برگرفته از ایده‌های مفسران و تفسیر آنها بر آیات صدر سورهٔ دخان. در نتیجه، حوادث کیهانی - که معادشناختی، ناظر به آخرالزمان، و نشانه‌هایی حاکی از وقوع قیامت هستند - به فضایی دنیوی و تاریخی منتقل گشته و بیانگر حوادثی معرفی شده‌اند که مصادیق پیروزی‌های پیامبر ﷺ بر دشمنان ایشان هستند (همان، ص ۲۵۲-۲۵۳).

به نظر روبین، «دین دود» در قرآن، همانند عهدین، با «انذار در مورد روز قیامت» مرتبط است (همان، ص ۲۵۳) و نخستین نسل‌های مفسران، دارای گرایشی آشکار به تفسیر دنیوی «دخان» بودند و بر نفرین نافذ پیامبر اکرم ﷺ و برجسته‌سازی گذار از انذار به پیروزی تأکید داشتند؛ اما بعداً به‌رغم فشار برای تحمیل تصویر افسانه‌ای و پساقرائی آن حضرت بر قرآن، گزینهٔ اخروی نیز - به‌منظور آماده‌سازی مؤمنان برای روز قیامت - دوباره احیا شد (همان، ص ۲۷۳). روبین در پایان پس از اشاره به دنیوی دانستن «دخان» در *شرف المصطفی* و نیز *مناقب آل ابی طالب* (همان، ص ۲۷۴)، به دو دیدگاه جدید هم اشاره می‌کند: دیدگاهی که سه گزینهٔ اخروی، تاری دید در اثر قحطی، و غبار برآمده از سپاه اسلام را ذکر می‌کند (دیدگاه المقدم)؛ و دیدگاهی که «دخان» را بر امثال انفجار اتمی هیروشیما منطبق و با پیش‌گویی‌های قرآن مرتبط می‌داند (دیدگاه کبانی) (همان، ص ۲۷۵).

تحلیل دیدگاه و روش روبین در کشف مراد از «دخان مبین»

در کل، روبین برای اثبات اخروی بودن مدلول «دخان مبین»، به عناصر درونی آیه، سیاق برونی آیه و قرائن روایی تمسک می‌کند.

الف) عناصر درونی آیه

روبین این عناصر، یعنی «یوم»، «دخان»، و «سما» را تفکیک می‌کند و به بررسی چهارده آیهٔ دیگرِ مشتمل بر «یوماً» (همان، ص ۲۵۲) و نیز ارتباط قرآنی «سما» با برخی از احوال روز قیامت در سایر فرازهای قرآنی (همان، ص ۲۵۲-۲۵۳) می‌پردازد و در نتیجه استدلال می‌کند که: از یک سو «یوماً» در قرآن کریم مکرراً در سیاق عذاب‌های اخروی آمده است و از سوی دیگر «سما» نیز در قرآن کریم بی‌ارتباط با سختی‌های مرتبط با قیامت نیست. پس «دخان» نیز که در این آیه به همراه این دو عنصر اخروی قرآنی آمده، اخروی است، نه دنیوی؛ و از این رو با امثال نفرین پیامبر اکرم ﷺ، جریان فتح مکه یا جنگ بدر تطابق ندارد. وی همچنین ذکر کاربردهای اخروی «بطشه»، «اکبر»، «کبری» در قرآن و ارتباط ترکیب «البطشة الکبری» در آیهٔ ۱۶ سورهٔ دخان با روز قیامت را به‌عنوان مؤیدی دیگر بر اخروی بودن مدلول «دخان مبین» ارائه می‌کند (همان، ص ۲۵۵).

دلیل دیگر وی بر اخروی بودن «دخان» این است که در مورد «دخان»، خداوند با صیغهٔ امر می‌فرماید: «فارتَقِبْ»؛ و امر به انتظار دود نشان می‌دهد که دود هنوز واقع نشده است؛ برخلاف انشقاق قمر که به صورت «إِنْشَقَّ» به صیغهٔ ماضی آمده و نشان می‌دهد که شکافتن ماه قبلاً رخ داده؛ پس از نشانه‌های قیامت نبوده است (همان، ص ۲۶۵-۲۶۶).

ب) سیاق آیه در سوره

روبین سورهٔ دخان را در کل دارای دو نوع مدلول تاریخی و آخرت‌شناختی می‌داند؛ به این صورت که خداوند با یادآوری عقاب‌های کافران در تاریخ، مشرکان صدر اسلام را در مورد سرنوشتشان در آستانهٔ قیامت انداز می‌کند (همان، ص ۲۵۶)؛ چون در آیهٔ «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» (دخان: ۱۵) - که روبین آن را با آیهٔ ۱۰ سورهٔ دخان در یک گروه محتوایی می‌داند - خداوند به‌روشنی می‌فرماید: حتی اگر مجازات موقتاً برداشته شود، آنها قطعاً [به کفر] بازمی‌گردند؛ پس برداشتن عذاب، امری فرضی و از این رو اخروی است و صرفاً بر کفر مستمر کسانی تأکید دارد که به‌وسیلهٔ دود عذاب می‌شوند (همان، ص ۲۵۴). از این رو مدلول آیهٔ ۱۰ سورهٔ دخان نیز اخروی است (همان، ص ۲۵۴-۲۵۷).

ج) قرائن روایی

این دیدگاه از اختلاف مضامین برخی روایات در مورد بروز قحطی برای اهل مکه و عدم اشارهٔ برخی روایات به درخواست مشرکان از پیامبر اسلام ﷺ و نیز از فقدان دود در برخی از این روایات، برای تقویت گزینهٔ اخروی بودن «دخان» و تضعیف تفسیر آن به نفرین پیامبر ﷺ استفاده می‌کند (همان، ص ۲۶۰-۲۶۱). وی این روایات را از مُصَنَّف (صنعانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۹، ح ۴۹۰۷) و طبقات (ابن سعد، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳) می‌آورد. روبین علاوه بر فقدان دود در برخی از نقل‌ها، از جزئیات مذکور در روایات نیز استفادهٔ جالبی دارد؛ مثلاً از روایت سفیان بن عُیینة که مشتمل بر

ایراد خطبه توسط پیامبر ﷺ بر فراز منبر است، استنباط می‌کند که ایشان در هنگام بیان محتوای این روایت، در مدینه بوده‌اند، نه مکه؛ پس با نفرین مُصْرَ توسط پیامبر ﷺ در زمان حضور ایشان در مکه منافات دارد (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۲۶۱). همچنین به روایتی منسوب به امام علی ؑ مستند می‌کند، مبنی بر اینکه دود هنوز واقع نشده است و زمانی که واقع شود، برای مؤمنان به صورت زکام و برای کفار به صورت دودی داغ است که آنها را متورم می‌کند و می‌کشد (همان، ص ۲۶۳). رویین روایات دیگری متضمن همین موضوع را از امثال حسن بصری و عبدالله بن عمر می‌آورد (همان، ص ۲۶۶) و مکرراً اشاره می‌کند که سرسخت‌ترین مدافع دنیوی بودن «دخان»، ابن مسعود است که در روایتی صریحاً می‌گوید: «دخان» قبلاً واقع شده است (صنعانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰۶) و در روایتی دیگر (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶ ص ۲۸) نیز «دخان» را در زمره نشانه‌های قیامت که هنوز واقع نشده‌اند، برنمی‌شمرد (رویین، ۲۰۱۱م، ص ۲۶۴-۲۶۵).

بررسی

مقاله روبین، به‌رغم نکات قابل تأمل، ابعاد مثبتی نیز دارد که انصاف در نقد، مستلزم بیان آنهاست. یکی از نکات برجسته این مقاله، تمرکز نویسنده بر روی یک آیه است. این نکته موجب شده است که مقاله بسیار تخصصی باشد و آیه ۱۰ سوره دخان به محور مقاله بدل شود و سایر مطالب در خدمت تبیین آن مطرح شوند. نکته دوم، روش و قرائتی است که روبین برای بررسی محتوای آیه به‌کار می‌گیرد؛ در این زمینه، وی از اجزای آیه، سیاق آیه در سوره، سایر آیات دارای مضامین مشابه یا مرتبط، و نیز از روایات غافل نمی‌شود. امتیاز سوم این مقاله، توجه نویسنده به نکات ظریف مطرح در روایات ذیل آیه است؛ مثلاً وی به اختلاف تعبیر در روایات توجه دارد و جزئیاتی از روایات را که مستقیماً با محتوای آیه ارتباط ندارند، اما به‌نحوی بر تفسیر آن مؤثرند، مطرح می‌کند؛ مانند نکته منبر که گذشت. این نکات، صرف‌نظر از نتایجی که روبین از آنها گرفته، قابل توجه و حاکی از دقت وی هستند. پیش از پرداختن به بررسی و نقد دلایل و قرائن سه‌گانه دیدگاه روبین، ذکر دو نکته ضروری می‌نماید:

اولاً نکته عجیب در ابتدای مقاله، تصریح در مورد «قصد» مفسران و «پشت‌پرده» تفسیر آن ذیل آیات مورد نظر است. روبین صریحاً این اتهام را مطرح می‌کند: تفسیر مفسران مسلمان ملهم از ایده‌های آنان در مورد یک محمد جدید است و این مفسران به‌دلیل اهداف جدلی و برای تمجید از پیامبر ﷺ حوادث کیهانی، مانند «دخان مبین»، را به‌گونه‌ای خاص تفسیر کرده‌اند (همان، ص ۲۵۱) تا به کمک آن، قدرت فیزیکی اعجاز‌آمیز ایشان در مکه را القا کنند (همان، ص ۲۶۰). نکته مهم در مورد اتهام پیش‌گفته این است که وی بدون ارائه مدرک و دلیل، در مورد «قصد و نیت» مفسران سخن گفته و آنان را به ایده‌پردازی شخصی و پیگیری اهداف جدلی متهم می‌سازد؛ درحالی‌که تنها با تصریح خود شخص می‌توان از «قصد» وی آگاه شد. این کار در فضای پژوهش‌های علمی، غیرمرسوم و غیرعلمی است و به‌دلیل مخفی و ذهنی بودن «مقاصد و نیات»، و عدم ارائه دلیل معتبر بر آن، قابل استناد نیست. وانگهی مفسران اگر چنین قصدی هم داشتند، نیازمند دستکاری در دلالت آیه ۱۰ سوره دخان نبودند؛

زیرا برای اثبات قدرت دنیوی آن حضرت در مکه می‌توانستند به معجزات و کرامات متعدد آن حضرت که برخی از آنها نیز در دوره حضور ایشان در مکه واقع شده بود، تمسک کنند (از جمله ر.ک: کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۰-۲۲). یکی از این موارد که در قرآن کریم نیز آمده (قمر: ۱)، «شق القمر» است، و گرچه برخی شبهه کرده‌اند که این موضوع مربوط به قیامت و نشانه‌های آن است، اما چون به این شبهه پاسخ داده شده (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۱۴)، از آیات قرآن و قرائن تاریخی و روایی استفاده می‌شود که این معجزه پیش از هجرت و در مکه واقع شده است.

نکته قابل توجه دیگر، یکی از استنادهای روبین به سخنان دو تن به‌عنوان مفسر، به نام‌های محمد اسماعیل المقدم و محمد هشام کبانی است؛ اما پس از جست‌وجو به‌دست نیامد که این دو، از چهره‌های شناخته‌شده و مشهور تفسیری باشند. افزون بر اینکه درس‌گفتارهای المقدم که مورد استناد روبین است، در نشانی مذکور در مقاله روبین یافت نشد.

ثانیاً با توجه به اینکه روبین «دخان» و smoke را معادل یکدیگر قرار داده است، غفلت وی از بحث لغوی «دخان» در زبان عربی روشن می‌شود؛ اما در زبان عربی، «دخان» لزوماً به‌معنای دود (با معادل انگلیسی smoke؛ ر.ک: حق‌شناس، سامعی و انتخالی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۰۸؛ و می‌یر، ۲۰۰۹م، ص ۱۴۴۴) نیست، پس نمی‌تواند منحصرأً با آتش و حرارت - بارزترین مصادیق عذاب‌های اخروی - مرتبط باشد؛ زیرا برخی از این منابع برای «دخان» معنای «شرّ فراگیر» را نیز آورده‌اند (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۵۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۱۲۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۹۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۲۴۶). معنای دیگری که برای «دخان» آمده، «جَدْب» به‌معنای زمین خشک، شوره‌زار و قحطی‌زده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۱۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۵۰). پس به لحاظ لغوی، آیه می‌تواند به این معنا باشد که «آسمان موجب خشکی و بی‌حاصلی زمین می‌شود». وانگهی «دخان» را به‌معنای «هر چیز شبیه دود» نیز دانسته و برای آن به «دشمنی» مثال زده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۳۶)؛ اما کاربرد قرآنی «دخان»، تنها دو مورد است. یکی در آیه مورد بحث و دیگری در «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» (فصلت: ۱۱). کاربرد «دخان» در سوره فصلت کمک‌چندانی به کشف مدلول آن در سوره دخان نمی‌کند؛ مثلاً برخی در مورد آیه ۱۱ سوره فصلت به معنای آن اشاره نکرده‌اند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۱۹-۲۰) و برخی تنها به این بسنده کرده‌اند که «شیتا سماه الله دخانا وهو مادتها التي ألبسها الصورة وقضائها سبع سماوات بعد ما لم تكن معدودة متميزا بعضها من بعض» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۵) یا تنها بدون ذکر قرینه، به ذکر یکی از معانی لغوی اکتفا نموده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۱۰)؛ برخی دیگر نیز تعابیر مبهمی مانند «کانت بخار الأرض» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۸) آورده‌اند؛ برخی نیز راه تشبیه را در پیش گرفته و دخان بودن آسمان را چنین تبیین کرده‌اند که آسمان پدیده‌ای تاریک همانند دود بود و دخان، بخار آب بوده است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۵۵). این گوناگونی آرا در سوره فصلت، کمکی به تعیین مراد قطعی از این واژه در سوره دخان نمی‌کند. پس، از نظر معنای «دخان»، آیه این ظرفیت را دارد که بدون

تکلف مجاز یا تقدیر گرفتن عبارتی، علاوه بر معنای آسمان، معنایی دنیوی مانند همان بلای فراگیر قحطی را نیز داشته باشد که به اذعان روبین، در برخی روایات و تفاسیر آمده، ولی وی درصد نفی آن است. اکنون به بررسی دلایل و قرائن سه‌گانه روبین می‌پردازیم.

الف) اجزای درونی آیه

در مورد استناد روبین به عناصر درونی آیه، مانند «دخان»، و ارتباط «یوم» و «سما» با آخرت و عذاب‌های اخروی، چند نکته قابل توجه است. نخست آنکه «یوم» در قرآن کریم صرفاً بیانگر یک دوره یا بازه زمانی است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۹۲-۹۴) و از این رو فی‌نفسه دلالتی بر روز قیامت ندارد؛ بلکه دلالت آن بر بازه زمانی معمول و دنیوی یا ظرف زمانی وقوع اشراط الساعة یا حوادث اخروی، از قرائنی مانند مضاف‌الیه یا عبارت وصفی پس از آن به دست می‌آید: «يَوْمَ ظُعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ» (نحل: ۸۰) و «يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ» (انعام: ۷۳) و «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (اعراف: ۵۹). از این رو در آیه ۱۰ سوره دخان نیز خود «یوم» دلالتی بر اخروی بودن ندارد. برای تبیین مراد از دخان در آیه شریفه باید مدلول‌های مختلف واژه «سما» در قرآن کریم نیز لحاظ شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶). «سما» می‌تواند مدلول‌های مختلفی داشته باشد و پیش از بررسی آیه ۱۰ سوره دخان باید مدلول «سما» در این آیه را لحاظ نمود: آیا آسمان مادی است، مانند «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره: ۲۲) و «زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (فصلت: ۱۲)؛ یا آسمان معنوی است، مانند «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (مائده: ۱۱۴؛ ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۷)؛ یا مثلاً صرفاً بر جهت بالا دلالت دارد. وانگهی «سما» یا جمع آن نیز در قرآن کریم همواره در سیاق اخروی نیامده است: «إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات: ۶) و «لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران: ۸۳) و «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقُونَ» (یونس: ۶).

پس نه واژه «یوم» و نه واژه «سما» و نه باهم‌آبی آنها، هیچ یک دلالتی منحصرأ اخروی ندارند؛ اما مطالب و شیوه این دیدگاه مانند کسی است که اخروی بودن مضمون آیه را پیش فرض گرفته است و از این رو بررسی «یوم» در قرآن را با تذکر این نکته آغاز می‌کند که «یوم» - که نشانگر زمان این دود است - عنصری شاخص در اندازهای مکی ناظر به بلایای اخروی است؛ و برای آن مثال‌هایی می‌آورد (روبین، ۲۰۱۱، ص ۲۵۲).

ب) سیاق آیه در بافت سوره

روبین آیات ۱۰-۱۶ سوره دخان را اخروی می‌داند (روبین، ۲۰۱۱، ص ۲۵۴-۲۵۵). قابل توجه آنکه مضمون آیات ۱۲-۱۳ با مضمون آیات ۱۰-۱۱ پیوند دارد؛ زیرا مضمون آیه ۱۲ سخن همان عذاب‌شدگان در آیه ۱۱ است و «الل» در «العذاب» (دخان: ۱۲)، مفید عهد ذکری و ناظر به «عذاب الیم» در آیه ۱۱ است؛ و این دو آیه واکنش مشرکان به عذاب الهی را بیان می‌کنند (از جمله ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۷؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۳۱۷). آیات

۱۳-۱۵ نیز پاسخ خداوند - یادآوری پیشینه آنها در مواجهه با پیامبر اکرم ﷺ و مهلتی کوتاه و الهی - را ترسیم می‌کند. چون در این آینده‌گویی الهی، موضوع رفع موقتی عذاب و بازگشت مشرکان به عناد خود آمده است، پس طبق ظاهر این آیات، مضمون آیه ۱۵ و زنجیره حوادث و گفت‌وگوهای پیش از آن (مضمون دخان: ۱۲-۱۴) نیز همگی دنیوی هستند؛ زیرا همان‌گونه که قرآن کریم بیان می‌فرماید، پس از وقوع مرگ، نه بازگشت امکان دارد و نه تخفیف یا رفع عذاب: «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا» (مؤمنون: ۱۰۰) و «وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يَخَفُّ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ» (نحل: ۸۵).

اما روبین مضمون غیرشرطی آیه ۱۵ (إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ) را برخلاف ظاهر آیه و بدون ارائه قرینه‌ای، در قالب شرط و جزا بیان می‌کند؛ بیانی که زمینه را برای اخروی دانستن مضمون آیه فراهم می‌سازد؛ اما باید توجه داشت که متن آیه، متشکل از یک جمله، و فاقد ترکیب و ادات شرط و جزاست. گویا روبین ابتدا اخروی بودن آیه را مسلم انگاشته و بر اساس آن، در توضیح آیه می‌گوید: حتی اگر مجازات موقتاً برداشته شود، آنها قطعاً [به کفر] بازمی‌گردند (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۲۵۴)؛ توضیحی که در صورت وجود ساختار شرط و جزا در آیه، می‌توانست اخروی بودن مضمون آن را نشان دهد.

پس برخلاف تلقی اخروی روبین از آیات ۱۰-۱۶، روشن است که دست‌کم آیات ۱۲-۱۵ قابلیت افاده معنایی دنیوی را دارند؛ پس نمی‌توان گفت که مضمون آنها منحصرراً اخروی است. نتیجه آنکه سیاق این آیات نمی‌تواند قرینه‌ای بر انحصار مضمون آیه در معنای اخروی باشد. شاید علت اینکه مفسران از همان ابتدا گزینه دنیوی را نیز آورده‌اند، این بوده است که «عائِدُونَ»، دست‌کم بر اساس دلایل قرآنی پیش‌گفته، با آخرت‌سازگاری ندارد. همچنین آیات ۱۶ و پس از آن - که در قالب عبرت‌آموزی، سرگذشت فرعون را یادآور می‌شوند - می‌توانند ناظر به این باشند که بحث دود نیز خالی از معنایی دنیوی و بی‌ارتباط با وضعیت کافران عصر نزول نیست؛ چون ذکر احوال پیشینیان و توقع عبرت‌گیری و اصلاح شدن مخاطب، هنگامی معنا می‌یابد که امکان و فرصت جبران داشته باشد؛ وضعیتی که در دنیا امکان‌پذیر است، نه در آخرت.

ج) قرائن روایی

روبین به‌رغم توجه به روایات، به روایات دال بر امکان وجود ظواهرهای متعدد و مصادیق مختلف برای آیات قرآن توجه ندارد. در مورد این ویژگی زبان قرآن، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَلِلْبَطْنِ بَطْنًا وَلَهُ ظَهْرٌ وَلِلظَهْرِ ظَهْرٌ» (برقی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۵). پس آیات قرآن کریم این ظرفیت را دارند که در صورت وجود قرائن معتبر، بر معانی یا مصادیق متعددی حمل شوند و نیز در صورت عدم وجود قرینه مانعاً معتبر می‌توان احتمالات مختلف سازگار با اصول محاوره عقلایی و مبانی و قواعد تفسیری را برای آنها لحاظ کرد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۷)؛ حتی در مواردی برای یک عبارت قرآنی - صرف‌نظر از دنیوی یا اخروی بودن مضمون کلی آیه - مدلول‌های مختلفی بیان شده است که برخی دنیوی و برخی

اخروی هستند (ر.ک: اسعدی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۰-۴۱۴). برای نمونه، به دو مورد از چنین عباراتی اشاره می‌کنیم. نمونه نخست، عبارت «وَمَنْ ذَخَلَهُ كَانِ آمِنًا» در آیه ۹۷ سوره آل عمران است. در روایات تفسیری، برای این عبارت مدلول‌های مختلفی ذکر شده است؛ مانند: حکم تشریعی «حرمت تعرض به سارق پناهنده به حرم الهی در شهر مکه» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۶؛ صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۴۴)؛ «مصونیت از غم دنیا، و ایمنی از غم آخرت» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۵۴۵؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۵). دو مدلول نخست دنیوی‌اند؛ اما مدلول سوم اخروی است. این تعدد مدلول‌ها، در برخی تفاسیر نیز منعکس شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ص ۱۸۹-۱۹۰). نمونه دوم، عبارت «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» در آیه ۱۵ سوره اسراء است. این عبارت را، هم امیرالمؤمنین علی علیه السلام مستند صدور حکم شرعی در دنیا قرار داده‌اند (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، ص ۱۰۸) و هم مفسران بر اساس سیاق و سایر آیات مشابه، دارای مدلول اخروی و ناظر به حسابرسی اعمال در روز قیامت دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۵۷؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۸۵). بر پایه آنچه گفتیم، گزینه‌های مختلف دنیوی و نیز گزینه اخروی، فی‌نفسه قابلیت ارتباط یافتن با آیه ۱۰ سوره دخان را دارند؛ مگر اینکه قرینه مانعاً قابل توجهی آنها را نفی کند؛ و شاید اظهار نظر برخی مانند طبری که هم دود دنیوی و هم دود اخروی را به‌عنوان دو مصداق محقق‌شده و آتی برای «دخان» مطرح کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۶۹)، بر همین اساس باشد.

در مورد استناد روبین به قرینه «منبر» (و دلالت صیغه امر «ارْتَقِبْ» بر آینده)، توجه داریم که این فرض فی‌نفسه محتمل است که آیه ۱۰ سوره دخان در مکه نازل شده باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به انتظار برای وقوع «دخان» امر کند. سپس بعد از هجرت به مدینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر روی منبر در مورد آیه مورد نظر سخن بگویند یا مصداق دنیوی آیه - که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه به انتظار وقوع آن امر شده بود - محقق شود. از این‌رو سخن گفتن آن حضرت در مورد «دخان» بر فراز منبر، دلالتی قطعی بر عدم ارتباط آیه با قحطی قریش، شکست مشرکان در بدر یا فتح مکه ندارد.

در کل می‌توان گفت، هرچند روبین بدون ارائه مستند، تفسیرهای ناظر به دنیوی بودن «دخان» را ملهم از ایده‌های تفسیری مفسران (روبین، ۲۰۱۱م، ص ۱۵۱) و استمرار گزینه اخروی را به منظور آماده‌سازی مؤمنان برای روز قیامت (همان، ص ۲۶۶) می‌داند، اما توجه داریم که این احتمالات دنیوی که مفسران بر اساس روایات برای آیه مطرح کرده‌اند، بی‌قرینه نیستند؛ خصوصاً که سوره دخان، مکی است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۸۱۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۱) و گزینه‌هایی مانند قحطی مورد بحث را برمی‌تابد؛ علاوه بر اینکه برخی از مفسران، فقط مدلول دنیوی قحطی و گرسنگی کفار را ذکر کرده‌اند (مراغی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۱۲۲). پس بر اساس قرائن لغوی، سیاقی و روایی - که در خلال بررسی و نقد دیدگاه روبین گذشت - و با لحاظ زبان خاص قرآن کریم که ظواهرها و مصداق‌های متعدد را

برمی‌تابد، نمی‌توان گزینه دنیوی را به ضرس قاطع رد کرد و گزینه اشراط الساعة یا گزینه اخروی را یگانه مدلول «دخان مبین» دانست. همچنین - مثلاً با لحاظ وجود گزینه دنیوی در امثال روایات منسوب به ابن مسعود که پیش از مفسران می‌زیسته است - نمی‌توان مفسران مسلمان و متأخر از ابن مسعود را متهم کرد که برای ایجاد تصویری از قدرت پیامبر ﷺ در مکه، گزینه‌های دنیوی را مطرح ساخته‌اند.

نتیجه‌گیری

روشن شد که گرچه دیدگاه روبین مدلول دنیوی برای «دخان» را نفی می‌کند، اما:

۱. زبان قرآن کریم و ظرفیت‌های معنایی آن، این زمینه را فراهم کرده است که در صورت وجود قرینه و نبود مانع، بتوان مدالیل یا مصادیق اخروی و دنیوی را برای این واژه لحاظ کرد.
۲. به دست آمد که لحاظ کردن مدلول دنیوی برای این واژه، فاقد دلیل و قرینه نبوده و با مانعی مواجه نیست. پس این آیات، ظرفیت مدلول دنیوی را دارند؛ یعنی ممکن است «دخان» در همین دنیا واقع شود یا واقع شده باشد.
۳. مدلول دنیوی برای آیات مورد بحث، مستند به قرینه است؛ پس نمی‌توان آن را نفی کرد.
۴. نمی‌توان با نیت‌خوانی، طرح مدلول دنیوی از جانب مفسران مسلمان را ناشی از تصویرپردازی شخصی آنها در مورد پیامبر اکرم ﷺ و برآمده از اغراض جدلی دانست.
۵. مفسران برای اثبات برخورداری پیامبر اسلام ﷺ از نیروهای معجزه‌آسا، نیازی به دست‌کاری مدلول آیات ندارند؛ زیرا در تاریخ اسلام و نیز در خود قرآن کریم، نمونه‌هایی از این پدیده در دسترس آنها بوده و هست.

پی‌نوشت‌ها

1. "A Day When Heaven Shall Bring a Manifest Smoke" (Q. 44:10-11): A Comparative Study of the Qur'anic and Post-Qur'anic Image of the Muslim Prophet.

۲. بررسی و نقد آثاری مانند آثار روی، که مستشرقان درباره اسلام، ارکان، شخصیت‌ها و معارف آن تدوین کرده‌اند، ثمراتی کاربردی دارد. اولاً چنین محققانی، به‌خاطر عدم تمبید به اسلام، از زاویه‌ای متفاوت و غالباً انتقادی به بررسی منابع و معارف اسلامی و برداشت‌های مسلمانان از آنها می‌پردازند. در نتیجه اگر احیاناً در برخی از اسناد و منابع اسلامی، در نحوه استنباط معدودی از معارف اسلامی، در نحوه بیان و عرضه معارف، در مورد عدم تعارض واقعی بین آنها، و... تردیدهایی بوده که از دید عالمان مسلمان مخفی مانده، به واسطه تنبیه حاصل نگاه مستشرقان می‌توان ایرادها و ضعف‌های محتمل را یافت و پس از بررسی، با اصلاح آن، برداشتی واقع‌گرایانه‌تر و مصون‌تر در برابر هجمه‌ها داشت. ثانیاً بررسی و نقد آثار علمی غیرمسلمانان، حساسیت‌های آنان به اسلام و قرآن کریم را نشان داده و رعایت و تأمین آن حساسیت‌ها موجب می‌شود تبلیغ معارف اسلامی و عرضه آن به چنین مخاطبانی دچار ضعف‌ها و کاستی‌های کمتری بوده و زمینه جذب حداکثری نسبت به اسلام باشد. ثالثاً بررسی تحقیقات انتقادی مستشرقان، شیوه‌ها، دقت‌ها و الگوهای احیاناً جدیدی را بر روی میز تلاش‌های علمی محققان مسلمان قرار می‌دهد که شاید کمتر از آنها استفاده کرده باشند، و گنجاندن آنها در پژوهش و به‌کارگیری شیوه‌های جدید، طبیعتاً به نتایج نوینی می‌انجامد.

در میان مستشرقان، رویین محقق پرکار است و آثار مختلفی در رابطه با اسلام، قرآن، پیامبر اکرم ﷺ، نبوت، احکام اسلام، معارف اسلامی، تاریخ اسلام، و... دارد، که به زبان‌های انگلیسی، عبری، و آلمانی، و در قالب‌های کتاب، مقاله، ویرستاری علمی، و... ارائه شده‌اند. طبق اطلاعات مندرج در وب‌سایت شخصی وی، تعداد این آثار دست‌کم ۹۶ عنوان است (ر.ک: <http://www.urirubin.com/publications>). برخی از آثار وی، که با قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ مرتبط‌ترند، عبارت‌اند از:

- «الصمد و خلدون متعال: تفسیری بر سوره توحید» (1984) "Al-Samad and the High God: An Interpretation of Sura CXII"

- محمد پیامبر و شبه‌جزیره عربستان (2011) Muhammad the Prophet and Arabia

- نگاه بیننده: زندگی محمد از نگاه مسلمانان صدر اسلام The Eye of the Beholder: The Life of Muhammad as Viewed by the Early Muslims (1995)

- قرآن: ترجمه‌های عبری از عربی (2016) The Qur'an: Hebrew Translation from the Arabic

- «کونوا قرده خاسئین (اعراف:۱۶۶): بوزینه شدن بنی‌اسرائیل، و پیشینه آن در کتب مقدس و متون میدراشی»: «'Become you apes, repelled!' (Quran 7:166)

"The transformation of the Israelites into apes and its biblical and midrashic background" (2015)

- «جزئیات بیشتری در مورد وجود پیشینی محمد: دیدگاه‌های قرآنی و پساقرائی» "More light on Muhammad's pre-existence: qur'anic and post-qur'anic perspectives" (2015)

آثار پرشمار رویین به زبان انگلیسی بیانگر اثرگذار بودن وی در زمینه معرفی اسلام و قرآن به غیرمسلمانان انگلیسی‌زبان است؛ اما چون مستشرقان عموماً بدون اشراف مناسب به معارف اسلامی و غالباً از نگاه خود و احیاناً با اغراض خاصی معارف اسلامی را درک و به غیرمسلمانان منتقل می‌کنند، در وهله نخست، اطلاع از محتوای آثار امثال وی و نقد محاسن و معایب آنها، و در گام بعدی برگردان نقد آنها به زبان‌های پرمخاطب مانند زبان انگلیسی، از ضرورت‌های روشن در عرصه پژوهش‌های اسلامی، تبلیغ حقانیت اسلام و قرآن کریم، و صیانت از آن است.

منابع

- الوسی، سید محمود، بی تا، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد، بی تا، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التتویر*، بی جا، بی تا.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اسعدی، محمد، ۱۳۸۵، *سایه‌ها و لایه‌های معنایی: درآمدی بر نظریه معنائشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری*، قم، بوستان کتاب.
- امین، نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۰، *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث.
- تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله، ۱۴۲۳ق، *تفسیر التستری*، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، معاد در قرآن، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه*، چ دوم، تحقیق مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- حق شناس، علی محمد، سامعی، حسین، انتخابی، نرگس، ۱۳۸۰، *فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، *من لایحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ، بی تا، *علل الشرائع*، قم، داوری.
- صنعانی، عبدالرزاق، بی تا، *المصنف*، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بی جا، بی تا.
- ، ۱۴۱۰، *تفسیر القرآن*، تحقیق مصطفی مسلم محمد، ریاض، مکتبه الرشد للنشر والتوزیع.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- عباشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *کتاب التفسیر*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، چ چهارم، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- کریمی، مصطفی، ۱۳۸۵، «معجزات و کرامات پیامبر اعظم ﷺ»، معرفت، ش ۱۰۸، ص ۱۰-۲۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *معارف قرآن* ۳/۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- ، ۱۳۸۴، *آموزش عقائد*، ج ۱۷، بی‌جا، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۸۹، *قرآن‌شناسی*، چ دوم، تحقیق محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- ، ۱۳۹۰، *جهان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *الارشاد*، چ دوم، تحقیق مؤسسه آل‌البتی ع، تحقیق التراث، بیروت، دار المفید.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- Bosworth, C. E., Donzel, E. Van, Heinrichs, W.P., and Lecomte, G. (1995), *The Encyclopaedia of Islam*, viii, Leiden, Brill.
- Bosworth, C. E., Donzel, E. Van, Levis, B., and Pellat Ch. (1997), *The Encyclopaedia of Islam*, iv, Leiden, Brill.
- McAuliffe, Jane Dammen (2006), *Encyclopaedia of the Qur'ān*, v, Leiden–Boston, Brill.
- Rubin, Uri (2011), "A Day When Heaven Shall Bring a Manifest Smoke" (Q. 44:10–11): A Comparative Study of the Qur'ānic and Post-Qur'ānic Image of the Muslim Prophet", in Nicolet Boekhoff-van der Voort, Kees Versteegh and Joas Wagemakers (eds.), *The Transmission and Dynamics of the Textual Sources of Islam: Essays in Honour of Harald Motzki* (Leiden: E.J. Brill, 2011), pp. 251-78.
- Wehmeier, Sally (2009), *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, Oxford University Press, 7th edition.